



حاشیه‌نشینی: یکی از پنج اولویت اصلی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

فقر شهری، در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، به موضوعی چالش‌برانگیزتر از فقر روستایی بدل شده و در کانون توجه سیاست‌گذاران کشورمان قرار گرفته است.

کومسک

«کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی و تجاری سازمان همکاری‌های اسلامی» موسوم به کومسک (COMCEC) به عنوان یکی از چهار کمیته تخصصی این سازمان در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد و در حال حاضر دارای ۵۷ عضو دائم و ۵ پنج عضو ناظر می‌باشد. این کمیته تخصصی مرجعی بین‌المللی برای رسیدگی به چالش‌های اقتصادی امت اسلامی و کمک به تحقق توسعه در کشورهای عضو بوده و اهداف زیر را دنبال می‌کند:

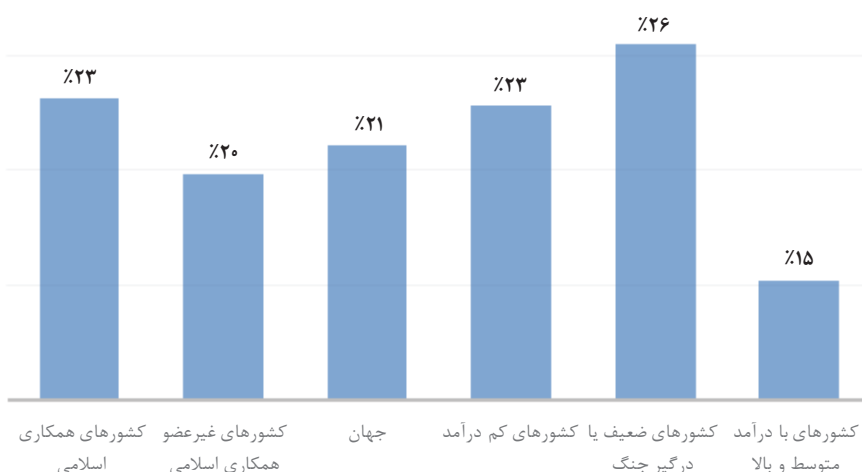
- تولید و نشر دانش، اشتراک تجارب و اقدامات و ایجاد فهم مشترک در راستای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای عضو؛
- ایجاد بستری جهت بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل اقتصادی و تجاری کشورهای عضو در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- بررسی روش‌های ممکن و مؤثر برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین کشورهای عضو؛
- ترسیم و ارائه برنامه‌های پیشنهادی جهت افزایش رفاه کشورهای عضو؛ و
- اطمینان از هماهنگی کلی فعالیت‌ها و همکاری‌های اقتصادی و تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی.



در سال ۱۳۹۶، در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی، اولویت‌های پنج‌گانه کشور شامل (۱) اعتیاد، (۲) حاشیه‌نشینی، (۳) طلاق، (۴) مفاسد اخلاقی و (۵) احصای مناطق بحران‌خیز در کشور، تعیین و به تأیید رهبر معظم انقلاب رسید. این گزارش به چالش حاشیه‌نشینی، که در ایران و بسیاری از کشورهای جهان موجب نگرانی سیاست‌گذاران شده است، می‌پردازد.

نمایندگان معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اوائل مهرماه در نشست شرکت کردند که در آن موضوع حاشیه‌نشینی و فقر شهری در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در این رویداد، که پانزدهمین نشست کارگروه مبارزه با فقر کومسک بود و به دلیل همه‌گیری جهانی کرونا به صورت مجازی برگزار شد، علاوه بر نمایندگان کومسک و تعدادی از کشورهای عضو، برخی از متخصصان دانشگاهی حوزه فقر شهری و نمایندگان بانک جهانی نیز حضور داشتند. این گزارش، به بهانه برگزاری این نشست و با استفاده از محتوای ارائه شده در آن، در کنار نتایج سایر تحقیقات ارائه شده در خصوص حاشیه‌نشینی در ایران و جهان، به بررسی ابعاد مسئله افزایش فقر شهری و حاشیه‌نشینی می‌پردازد. بررسی جغرافیای فقر نشان می‌دهد که در بسیاری از نقاط جهان در سال‌های اخیر فقر شهری به مسئله‌ای چالش‌برانگیزتر از فقر روستایی تبدیل شده و مرزهای فقر هرچه بیشتر به سمت حاشیه شهرها گسترش یافته است. اگرچه در بسیاری از کشورها میانه درآمد در روستاها هم‌چنان پایین‌تر است ولی درصد جمعیت زیر خط فقر در شهرها نسبت به روستاها بالاتر بوده و به نحو فزاینده‌ای رو به افزایش است. جمعیت حاشیه‌نشین در جهان که در دهه ۱۹۹۰، حدود ۶۸۹ میلیون نفر بوده، تا سال ۲۰۱۴، به ۸۸۰ میلیون نفر رسید. تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهد که گرچه رشد اقتصادی فقر مطلق را در کشورها کاهش می‌دهد اما نه تنها باعث کاهش فقر شهری نشده، بلکه در برخی کشورها با رشد حاشیه‌نشینی همراه بوده است.

درصد جمعیت ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی



ارزیابی‌ها نشان داده‌اند که افزایش شاخص‌های اشتغال غیررسمی و کار کودکان ارتباط نزدیکی با رشد حاشیه‌نشینی دارد.

رشد اقتصادی گرچه فقر مطلق را کاهش می‌دهد، اما لزوماً باعث کاهش فقر شهری نمی‌شود و بعضاً حتی با افزایش حاشیه‌نشینی همراه بوده است.

کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی

گزارش یازدهم | پنجم آبان ۱۳۹۹

بررسی مسئله حاشیه‌نشینی و شهری شدن فقر در نشست سازمان همکاری‌های اسلامی

همبستگی نزدیک اشتغال غیررسمی و اشتغال کودکان با حاشیه‌نشینی

انجامید. با دوام و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی، دولت‌ها، به ویژه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، به حذف و تخلیه اجباری سکونت‌گاه‌ها روی آوردند. تحت لوای دلایلی چون زیباسازی، مشکلات اجتماعی و جرم‌خیزی، تخلیه اجباری فضا را برای ساخت و ساز در زمین‌هایی که طول زمان ارزش تجاری چشم‌گیری پیدا کرده‌اند، باز می‌کند.

ساخت مسکن‌های عمومی رویکرد مسلط دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی برای حل مسئله مسکن فقرا شهری و حاشیه‌نشینیان بود. عواملی مانند عدم توان دولت‌ها در تأمین اعتبارات، عدم هم‌خوانی طراحی واحدها با سبک زندگی خانوارها و سازوکار اجتماعات محلی، عدم توان پرداخت اقساط از سوی مالکان، مکان‌یابی نامطلوب و هدف‌گذاری ناموفق ضعیف‌ترین اقشار از جمله عوامل تأثیرگذار در شکست نسبی این پروژه‌ها است. سیاست‌های مربوط به زمین و خدمات در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و عمدتاً پس از نارضایتی گسترده از تخریب سکونت‌گاه‌ها در بیش از ۱۰۰ کشور اجرا شد. در این روش، زمین‌های ارزان (عمدتاً در حاشیه شهرها) به قطعات مسکونی تقسیم می‌شود و همراه با ایجاد زیرساخت‌های اساسی نظیر آب، انرژی، راه و تسهیلات بهداشتی به افراد مشمول تعلق می‌گیرد. این طرح‌ها در صورتی موفق هستند که مکان‌یابی به درستی انجام شده باشد و از محل کار عمده ساکنین دور نباشد، کسری منابع مانع اتمام ساخت زیرساخت‌ها یا تأخیر زیاد در ایجاد آن‌ها نشود، متراژ بالایی زمین‌ها، آن‌ها را بیش از حد گران نکند و فرآیند انتخاب خانواده‌های مشمول شفاف باشد.

زنان، روستاییان، کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند و ساکنین مناطق محروم سهم بزرگ‌تری از اشتغال غیررسمی دارند. روستاییان کشور که در نبود یا عدم کفایت بیمه‌های اجتماعی به شهرها مهاجرت می‌کنند، در کنار فقرای شهری که مشاغل غیررسمی و دستمزدهای پایین‌تر از معیشت دارند، به طور معمول قادر به تقیل هزینه‌های زندگی و استفاده از امکانات رفاهی شهرها نیستند و به حاشیه‌ها رانده می‌شوند. تجربه هند در اشتغال عمومی ۱۰۰ روز در سال برای روستاییان، که به طور خلاصه در این گزارش به معرفی آن پرداخته‌ایم، از جمله تجربه‌های موفق در راستای جلوگیری از مهاجرت بیشتر روستاییان به شهر بوده است.

سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش حاشیه‌نشینی در جهان: از نادیده گرفتن و تخریب تا بهسازی و توانمندسازی

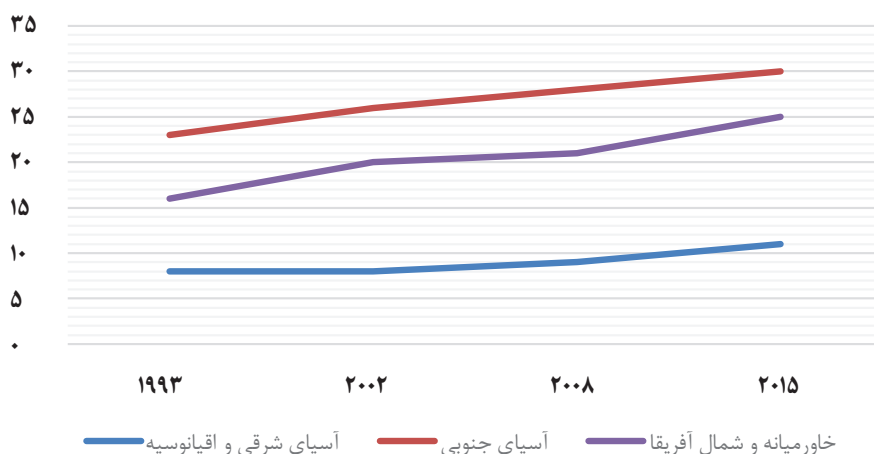
دولت‌ها رویکردهای مختلفی را در برابر مسئله حاشیه‌نشینی در دستور کار قرار داده‌اند، اما رویه‌ها هرگز یکنواخت و منسجم نبوده و بسته به شرایط، یک یا چند رویکرد به طور هم‌زمان اتخاذ شده است. **نادیده گرفتن** مسئله مسکن اقشار فقیر و آسیب‌پذیر تا ابتدای دهه ۷۰ میلادی نگرش رایج دولتی به مسئله حاشیه‌نشینی بوده است. در اثر نادیده گرفتن، سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای به مرور به ویژگی اصلی کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه بدل شد و به ترویج تصرف غیرقانونی زمین و الگوهای سکونت غیررسمی

نرخ شهرنشینی که دهه‌هاست با سرعت در حال افزایش بوده است، در دهه جاری برای اولین بار به بالای پنجاه درصد رسید. اما، بخش زیادی از جمعیت افزوده شده به شهرها، به خصوص در دو دهه اخیر و در کشورهای در حال توسعه، به حاشیه کشانده شده‌اند و امروز بیش از یک میلیارد نفر در حاشیه شهرها، و به خصوص در مناطق کلان‌شهری آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، زندگی می‌کنند. افزایش فقر شهری تا حدی بوده است که اگرچه در بسیاری از کشورها میانه درآمد در روستاها هم چنان پایین‌تر است ولی مسئله فقر و حاشیه‌نشینی در شهرها بسیار چالش‌برانگیزتر شده و درصد جمعیت زیر خط فقر در شهرها نسبت به روستاها بالاتر و رو به افزایش است. نمودار زیر میزان و رشد فقر شهری را در دو دهه اخیر در آسیای شرقی و جنوبی، خاورمیانه و شمال آفریقا نشان می‌دهد. پژوهش‌گران، در جستجو برای یافتن شاخص‌هایی که به توضیح افزایش حاشیه‌نشینی و توزیع آن در شهرها و کشورها کمک می‌کند، در اولین قدم نقش شاخص‌های کلان اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیقات نشان داده است که فقر شهری را نمی‌توان تنها با معیار پولی سنجید؛ حاشیه‌نشینی لزوماً با رشد اقتصادی رابطه منفی ندارد و رشد اقتصادی، بعضاً حتی با افزایش فقر شهری نیز همراه بوده است. در واقع، تحلیل‌های گزارش کومسک نشان می‌دهند که دو شاخص «اشتغال غیررسمی» و «کار کودک» بهتر از سایر شاخص‌ها (حتی شاخص‌های مربوط به رشد اقتصادی) توزیع حاشیه‌نشینی در کشورهای توضیح می‌دهند.

از آنجایی که اشتغال غیررسمی و اشتغال کودکان از مهم‌ترین متغیرهای توضیح دهنده رشد حاشیه‌نشینی هستند، گزارش کومسک در ادامه به طور مفصل به آسیب‌های بازار کار در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی پرداخته و نشان می‌دهد که به طور متوسط ۳۵٪ از شاغلین این کشورها در اقتصاد غیررسمی مشغول به کارند. این نرخ برای کشورهای آفریقایی عضو این سازمان ۴۲٪، کشورهای آسیایی ۳۴٪ و کشورهای عربی ۲۵٪ است؛ همچنین، درصد اشتغال غیررسمی در نیجریه ۶۳٪، آذربایجان ۵۳٪ و اردن، عمان و قطر زیر ۲۰٪ است.

در گزارش هشتم این مجموعه نشان دادیم که حدود ۷ میلیون نفر (حدود ۳۰٪) از شاغلین ایرانی در بخش غیررسمی مشغول به کارند. نتایج تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که

درصد فقرای شهری نسبت به جمعیت شهرنشینی



امروز بیش از یک میلیارد نفر در حاشیه شهرها، و به خصوص در مناطق کلان‌شهری آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، زندگی می‌کنند.



ظرفیت های حقوقی و نهادی، و برقراری پیوند مؤثر با شبکه سیاست گذاری بین المللی، به خصوص در شرایط بحران؛ و
 ● بازتعریف فقر بر اساس شاخص های فقر چندبعدی و بهبود روش های گردآوری و تحلیل داده های مربوط به فقر شهری جهت سنجش و هدف گذاری بهتر وضعیت فقر شهری و حاشیه نشینی.

● حاشیه نشینی در ایران

تجمیع گزارش های رسمی منتشر شده در کشور نشان می دهد که امروز ۲۹ تا ۳۵ درصد شهرنشینان (معادل ۱۸ تا ۲۲ میلیون نفر) در حدود ۳۰۰۰ سکونت گاه حاشیه ای زندگی می کنند. حاشیه نشینی در ایران، در ابتدای شکل گیری خود بیش از هر چیز حاصل مهاجرت روستاییان یا ساکنین شهرهای کوچک و میانی به شهرهای بزرگ بود. در این دوران، صدها هزار خانوار فقیر راهی شهرها شدند و در زمین های بلااستفاده شهری حوالی شهرها ساکن شدند. حدود دو دهه بعد، حدود دو دهه بعد، بلافاصله پس از انقلاب، بخشی از این خانوارها در میانه اغتشاشات و بعضاً به تشویق نیروهای انقلابی، در خانه ها و آپارتمان های نیمه کاره ساکن شدند. این تصرف کنندگان پس از رد تقاضایشان در ارائه خدمات رفاهی به شیوه های غیرقانونی متوسل شدند و شیوه های نوین و غیررسمی از زندگی در شهرها ایجاد کردند؛ آن ها برای خود جاده، مغازه، درمانگاه، مسجد و کتابخانه ساختند، انجمن ها و شبکه های محلی به وجود آوردند و در تعاونی های مصرف محلی عضو شدند.

امروز، پدیده حاشیه نشینی دیگر تنها مختص تهران و چند شهر بزرگ کشور نیست، بلکه به تمامی نقاط کشور تسری یافته و همه استان ها دارای مناطق حاشیه نشین هستند. به سفارش موسسه رحمان و در طرحی به مدیریت سعید مدنی، با استخراج و تجمیع اطلاعات منتشر شده در گزارش های رسمی و وبسایت های خبری، جمعیت حاشیه نشین در هر استان تخمین زده شده است. ما، بر اساس این تخمین ها، درصد حاشیه نشینی را بر اساس جمعیت شهرنشین در هر استان تعیین کرده ایم. نقشه صفحه چهارم این تخمین ها را به نمایش می گذارد که نشان دهنده گستردگی چالش اجتماعی حاشیه نشینی در کشور است.

در دوره های بعدی، به ویژه از دهه ۱۳۷۰ به این سو، روند حاشیه نشینی خصلت های جدیدتری یافت. در این دوره جدید اگرچه مهاجرت به شهرها هم چنان تداوم داشت، اما رانده شدن جمعیت از مراکز شهری به حاشیه ها نیز بر تعداد حاشیه نشینان افزود. در این دوره، به نحو فزاینده ای بخشی از طبقه متوسط شهری به صف فقیران شهری پیوستند که از جمله دلایل آن که از جمله دلایل آن گسترش بازار آموزش، انقباض بازار کار، مقررات زدایی در تجارت خارجی، منعطف کردن قوانین کار، بی ثباتی و ناامنی شغلی، شوک های اقتصادی به ویژه در حوزه مسکن، فریز شدن سطح دستمزدها، عوامل زیست محیطی نظیر خشک سالی و ریزگردها و خصوصی سازی بنگاه های دولتی بوده است. داده های گزارشی با عنوان «مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی» که به سفارش وزارت مسکن انجام شده است، نشان می دهد که طی سال های ۷۵-۱۳۵۵ حدود ۴۰٪ از جمعیت ۵ میلیونی اضافه شده به استان تهران، در ابتدا در سکونت گاه های غیررسمی اسکان یافتند.

اشتغال عمومی: ۱۰۰ روز کار تضمین شده در سال برای روستاییان هندی

قانون تضمین کار برای روستاییان در سال ۲۰۰۵ و به عنوان بخشی از سیاست های جامع رشد و سیاست های مبتنی بر حقوق انسانی مطرح شد. بهبود امنیت معاش در مناطق روستایی از اهداف این قانون است و براساس آن هر خانواری که اعضای بزرگسال آن برای انجام کارهای یدی بدون نیاز به مهارت داوطلب شوند، در هر سال مالی حداقل ۱۰۰ روز دستمزد دریافت می کنند. این برنامه در پی این است که:

- یک منبع درآمدی جایگزین برای روستاییان در فصل های کم محصول کشاورزی و بارندگی های موسمی فراهم کند؛
- حکمرانی مردمی را تقویت کند؛ و
- زیرساخت هایی همچون جاده و کانال آبیاری که می تواند معاش پایدار روستاییان را تأمین و از مهاجرت به شهرها جلوگیری کند، ایجاد کند.

کار بایستی در محدوده حداکثر ۵ کیلومتری محل سکونت متقاضی فراهم شود و دستمزدی معادل حداقل دستمزد به متقاضی پرداخت شود. اگر تا ۱۵ روز بعد از ثبت درخواست کار، کاری پیدا نشود، متقاضی مشمول دریافت بیمه بیکاری می شود. اجرای این برنامه بایستی توسط شورای روستا باشد و مداخله پیمان کاران در آن قدغن است. ارزیابی ها نشان می دهد که این برنامه در تضمین مشارکت زنان و اعضای کاست ها و قبایل برنامه ریزی شده (Scheduled Castes and Scheduled Tribes) هند موفق بوده است. این برنامه به شمول مالی فقرای روستایی نیز کمک کرده است (این برنامه با افتتاح میلیون ها حساب بانکی همراه بود).

علی رغم کمک به کاهش فقر در میان خانوارهای روستایی، این برنامه با محدودیت هایی نیز مواجه است. از جمله می توان به کمبود کادر اجرایی، آگاهی ناکافی عموم مردم از این برنامه، نبود نظارت مؤثر و سازوکارهای حسابرسی در سطح محلی و نیز پرداخت با تأخیر دستمزد که در مجموع اعتبار این برنامه را به عنوان یک سازوکار معیشتی مؤثر کاهش داده است، اشاره کرد.

- استفاده کارآمدتر از ابزارها و تکنیک های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای نظارت بر سکونت گاه های غیررسمی و شناسایی دقیق فقرای شهری؛
- طراحی سیاست های محلی برای بازار کار به منظور حل مسئله اشتغال غیررسمی با اقداماتی چون مهارت آموزی، طرح های مالیاتی افتراقی برای زنان و جوانان و انعطاف بیشتر تعاریف کاررسمی؛
- فعال سازی ابزارهای مالی اسلامی مانند خمس و زکات برای چالش حاشیه نشینی (مانند اجرای پروژه های زیرساختی مبتنی بر زکات در اندونزی)؛
- به کارگیری ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت افزایش کارآمدی و تسهیل اقدامات مالی مانند تکنولوژی زنجیره بلوکی (Blockchain Technologies)، سیستم فن آوری مالی یا فین تک (FINTECH)، کارت های هوشمند بدون پول (Cashless Smart Cards) و سیستم های GIS جهت افزایش کارآمدی و تسهیل اقدامات مالی؛
- هماهنگی بیشتر سیاست های ملی و محلی، تقویت

اما، سیاستی که امروزه بیشتر مورد توجه کشورهاست، ادغام روش های خودیاری حمایت شده، بهسازی و توانمندسازی است. این سه روش، در ادغام با یکدیگر تفاوت های محلی را به رسمیت می شناسند، رویکردی تمرکززدا به حل چالش حاشیه نشینی دارند و ساختار اجتماعی و نظام اقتصادی حاشیه ها را تا حد ممکن حفظ می کنند. گرچه طرح های بهسازی تفاوت های زیادی با هم دارند، اما عناصر اصلی آن ها شامل تأمین خدمات پایه (مانند دفع آب سطحی، آب آشامیدنی، جمع آوری زباله و ایجاد مراکز آموزشی و فرهنگی)، ساماندهی کالبدی معابر و بلوک بندی مجدد و تأمین امنیت در مالکیت (اعطای قانونی مالکیت یا اجاره بلندمدت) می شود. از طرف دیگر، دولت می تواند با حمایت از اقدامات خودیاری ساکنین مانند افزایش پایداری ساختمان ها و شوراهای غیررسمی ایجاد شده برای مدیریت محلی، این اقدامات را تسهیل و بهینه کند. در راستای توانمندسازی ساکنین محلات حاشیه ای نیز دولت ها و سازمان های مردم نهاد به اقداماتی مانند سازماندهی اجتماعات محلی، به کارگیری توان ساکنین در جهت توسعه اقتصاد محلی، افزایش انسجام اجتماعی با برقراری پیوندهایی بر اساس قومیت، مذهب، هم شهری بودن و خویشاوندی، افزایش مهارت ها و امکانات این اقشار برای مشارکت و مذاکره در تصمیم گیری های شهری و ایجاد پیوندهایی با دستگاه های مسئول می پردازند.

● پیشنهادات سیاستی کومسک

سیاست های پیشنهادی پانزدهمین نشست کارگروه مبارزه با فقر کومسک، که بر اساس پژوهش انجام شده توسط این سازمان و تجمیع پیشنهادات کشورهای شرکت کننده تهیه شده، شامل موارد زیر می شود:

نتایج ارزیابی ها در نشست کومسک نشان می دهد که افزایش اشتغال غیررسمی ارتباط نزدیکی با رشد حاشیه نشینی دارد. سیاست هایی مانند افزایش افراد تحت پوشش بیمه های اجتماعی، ایجاد برنامه های اشتغال عمومی، پوشش گسترده تر بیمه بازنشستگی و ایجاد بیمه بیکاری در مناطق روستایی برای فصل سرما می تواند مانع گسترش حاشیه نشینی و فقر شهری شود.

کرونا، نیروی کار و حمایت اجتماعی

گزارش یازدهم | پنجم آبان ۱۳۹۹

سیاست‌های کلان حوزه مسکن در ایران

مسئله سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای پیوند تنگاتی با قوانین و سیاست‌های مربوط به مالکیت رسمی زمین و مسکن دارد. سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه برنامه‌ریزی شهری و مسکن در ایران از نیمه دهه چهل هجری شمسی آغاز شده و شامل گستره وسیعی از اقدامات می‌شود. ارزیابی‌های برخی پژوهش‌گران این حوزه، مانند کمال اطهاری و اعظم خاتم، نشان می‌دهد که در نگاهی کلان این سیاست‌ها پاسخ‌گوی نیاز طبقات متوسط و بالاتر بوده تا اقصای فقیر و آسیب‌پذیر؛ در واقع سیاست‌های حوزه مسکن به خانه‌دار شدن طبقات متوسط شهری منجر شده، اما در نهایت نتوانسته است مانع از رشد حاشیه‌نشینی شود. به طور مثال، در دهه اول بعد از انقلاب با تصویب قانون زمین شهری و سیاست‌های دولت برای پرداخت وام ارزان قیمت و مصالح ارزان، ساخت و ساز رونق گرفت. در این دوره خبری از انبوه‌سازی نبود و تولید مسکن توسط مصرف‌کننده نهایی آن انجام می‌شد و بارانه‌های مسکن نیز به مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شد. در سال‌های دهه هفتاد عرضه زمین از طریق تعاونی‌ها ادامه پیدا کرد، اما سیاست‌های مسکن به مرور بازاری‌تر شد و بهای آن افزایش یافت. امروز، در شهرهای بزرگ، قیمت مسکن به بیش از ده برابر (و در تهران ده‌ها برابر) متوسط درآمد سالانه خانوار رسیده و حاشیه‌نشینی نیز با مهاجرت و طبقات متوسط شهری به حاشیه کشانده شده هم چنان در حال رشد است.

برنامه‌هایی برای کاهش حاشیه‌نشینی

جدا از پاکسازی و امحاء (در موارد متعددی مانند خاک سفید تهران، زورآباد کرج و کوی طلاب مشهد)، سه مورد از مهم‌ترین رویکردهایی که بعد از جنگ حاشیه‌نشینی را هدف قرار داده‌اند شامل مسکن عمومی، ایجاد شهرهای جدید و توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌شود. پیشینه نسبتاً ناموفق طرح ساخت مسکن عمومی را می‌توان در دوره پیش از انقلاب جست. برای نمونه، بررسی‌های انجام شده در مورد کوی ۱۳ آبان تهران نشان می‌دهد که به دلیل هزینه‌های بالای زندگی در این محل و همین‌طور فاصله زیاد آن با محل کار سکنه، در کم‌تر از ۱۰ سال، ۷۰ درصد از ساکنین فقیر مسکن خود را واگذار کرده و گروه جدیدی

درصد حاشیه‌نشینی از کل شهرنشینان به تفکیک استان



از دیگر طرح‌های کلان در راستای ساماندهی حاشیه‌نشینی، طرح احداث شهرهای جدید است که در سال ۱۳۶۸ به یکی از شرکت‌های تابعه وزارت راه و شهرسازی واگذار شد. هدف عمده ذکر شده برای احداث این شهرها «تمرکززدایی و اسکان پایدار سرریز جمعیت شهرهای مادر» ذکر شد. این شهرها اگرچه امروزه جمعیت زیادی را به خود جلب کرده‌اند، اما به دلایل مختلفی چون دور بودن از محیط‌های کاری، نگرش عمدتاً کالبدی به حل مسئله اسکان غیررسمی و عدم توجه به خواست‌ها و نیازهای ساکنین در حل مسئله حاشیه‌نشینی چندان موفق عمل نکرده‌اند.

از طرح‌های انجام شده در راستای توانمندسازی نیز می‌توان به «طرح ساماندهی به اسکان غیررسمی» که در سال ۱۳۷۰ توسط هیأت دولت، و با همکاری بانک جهانی، تصویب شد اشاره کرد. برپایه این سند، طی دهه هشتاد موج تازه‌ای از طرح‌های شهری در حدود ۲۰ شهر کشور با محوریت تأمین نیاز اقشار تهی دست شهری تهیه شد و در شهرهایی مثل بندرعباس و زاهدان که از وام بانک جهانی و منابع ویژه داخلی برخوردار شدند اقداماتی در توسعه فعالیت‌های محلی، تأمین زیرساخت‌ها و بهسازی شهری انجام شد. در حال حاضر، مهم‌ترین سند در این حوزه سند ملی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری است که افق آن سال ۱۴۰۴ می‌باشد. از دیگر طرح‌ها در راستای بهسازی و توانمندسازی می‌توان به دفاتر تسهیل‌گری توسعه محلی در صدها سکونت‌گاه حاشیه‌ای در سرتاسر کشور اشاره کرد. متأسفانه گزارشی از ارزیابی عملکرد طرح‌های اجرا شده یا در حال اجرا با رویکرد توانمندسازی منتشر نشده یا در اختیار عموم قرار نگرفته است. در نهایت می‌توان به دفاتر توسعه محلی (دفاتر خدمات نوسازی پیشین) اشاره کرد که توسط سازمان نوسازی کشور و زیر نظر شهرداری، از سال ۱۳۸۴ در محلات مختلف تأسیس شدند و امروزه به فعالیت‌هایی نظیر تجمیع و نوسازی کالبدی، تأمین خدمات، بازگشایی معابر، تدقیق بافت فرسوده، پروژه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهسازی محیطی و ثبت نام تسهیلات بافت فرسوده می‌پردازند.

که دارای درآمد بالایی بودند جایگزین آنان شدند. البته تجربه ساخت مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد در اواخر دهه ۴۰ و ۵۰ در سایر شهرها موفق‌تر ارزیابی شده است. در دوره پس از انقلاب نیز، نزدیک‌ترین تلاش کلان مقیاس برای ساخت آن چه در ادبیات رفاهی مسکن عمومی خوانده می‌شود، پروژه مسکن مهر بود. صرف نظر از انتقاداتی که به ابعاد مختلف این پروژه، همچون استحکام و مکان‌گزینی وارد است، طرح مسکن مهر توانست بخشی از جمعیت کم‌درآمدتر در خانه‌های ساخته شده اسکان دهد. اما، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که پایین‌ترین دهک‌های درآمدی نصیبی از این طرح نبردند و در درازمدت نیز این طرح نتوانست جلوی افزایش قیمت مسکن را بگیرد. لازم به ذکر است دولت کنونی، علاوه بر تکمیل پروژه مسکن مهر، طرح اقدام ملی مسکن را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

سیاست‌های کلان حوزه مسکن و کاهش حاشیه‌نشینی از ۱۳۶۸ تا کنون

